

عرض سلام خدمت آقای شهبازی نازنین و همراهان محترم گنج حضور.

برداشت نکاتی چند از صحبت‌های آقای شهبازی در برنامه ۱۰۰۳ گنج حضور.

۱- ما باید هر لحظه حواسمان به خودمان باشد؛ تا من ذهنی نتواند چیزهای بیرونی را به مرکز ما بیاورد.

۲- در کار کردن روی خود، کاری بهتر از تکرار کردن ایبات مولانا نیست.

۳- اولین مأموریت ما این است که حواسمان فقط روی خودمان باشد و خودمان را درست کنیم.

۴- نوع زندگی کردن دیگران به ما ربطی ندارد، حتی همسر و فرزندان و نزدیکانمان. ما فقط روی خودمان کار می‌کنیم و چراغ خودمان را روشن نگه می‌داریم.

۵- این دنیا فقط یک مکانی است برای پرورش ما تا به حضور برسیم و خودمان را بسازیم و از آن بگذریم.

۶- ما تا زنده‌ایم باید روی خودمان کار کنیم و تا موقع مرگ جسمی باید مواظب من‌ذهنی و خرابکاری‌های او باشیم، چون ممکن است با یک غفلت، ما را به ذهن کشیده و خرابکاری کند.

۷- در راه معنویت و کار روی خود، از هزاران حرف و کتاب و پیغام، یک عمل بهتر است. بهتر است کمتر حرف بزنی، بیشتر عمل کنیم.

۸- همه ما انسان‌ها صبح که از خواب بیدار می‌شویم تا موقع شب، یک کارهایی را انجام می‌دهیم. اگر با آموزش‌های بزرگان آشنا نباشیم و روی خودمان کار نکرده باشیم، مطمئناً کارها را با من‌ذهنی انجام خواهیم داد که منجر به خرابکاری می‌شود.

۹- در راه معنویت و کار روی خود، اگر قانون جبران را رعایت نکنیم و انجامش ندهیم، موفق نخواهیم شد. قانون جبران دو جنبه دارد: یکی جبران مالی یعنی واریز مبلغی پول در حد توان به برنامه خودمان، همان برنامه گنج حضور و دیگری جبران معنوی، یعنی کار کردن متعهدانه روی خود. اگر فقط یکی از جنبه‌های قانون جبران را رعایت کنیم؛ موفق نخواهیم شد. باید هر دو را توأم رعایت کنیم. هیچ راه دیگری ندارد.

۱۰- در کار روی خود، اولین اصل این است که حواسمان فقط روی خودمان باشد. اما این فقط به این معنی نیست که در کار دیگران دخالت نکنیم و آن‌ها را خیر و سنی نکنیم، بلکه به این معنی هم هست که مواظب باشیم تا دیگران جنس ما را تعیین نکنند.

۱۱- در کار کردن روی خود، سخت‌ترین کار این است که همه حواس ما فقط روی خودمان باشد.

۱۲- تنها کار ما در این لحظه این است که مسئولیت کیفیت هشیاری خودمان را بر عهده بگیریم.

۱۳- منظور ما از کار کردن روی خودمان، این است که چراغ حضور خود را روشن کنیم. حالا در این میان ممکن است از روشنایی چراغ ما، چراغ نزدیکانمان نیز روشن شود؛ اما ما با آن اصلاً کاری نداریم. باز حواس ما فقط به چراغ خودمان است تا آن را همیشه روشن نگه داریم.

۱۴- خداوند برای ما انسان‌ها فقط یک حکم کرده و آن هم این است که ما در مقابل هر اتفاقی فقط حق فضاگشایی داریم و بس.

۱۵- تنها راه دسترسی خداوند و پیغام دادنش به ما از طریق بی‌مرادی‌ها است، چون ما که یک عمر با من‌ذهنی‌مان زندگی کرده‌ایم؛ راهی به غیر از بی‌مرادی‌ها برای ما نمانده است.

۱۶- خرابی روابط ما در خانواده و حتی بیرون به علت من‌ذهنی است. نه تقصیر دیگران است و نه تقصیر ما. فقط باید به همدیگر فرصت زندگی کردن بدهیم و با همدیگر مهربان باشیم.

۱۷- خداوند هر لحظه دنبال یک بهانه و یک فرصتی است تا به ما کمک کند، فقط کافی است که ما در مقابل هر اتفاقی فضا را باز کنیم.

۱۸- چند سوال از خود پرسیم و به خودمان هم پاسخ بدهیم. من برای چه کاری به این دنیا آمده‌ام؟ برای چه این قدر ناله می‌کنم؟ شکایت می‌کنم؟ چه می‌خواهم؟ چرا من یک آدم خدمتگزار و زحمتکش نیستم که برای مردم سرویس بدهم؟ آیا فضل و بخشش خداوند برای من می‌جوشد؟ زیر سایه خداوند هستیم؟ در زندگی‌ام از آموزش‌های بزرگان، مخصوصاً حضرت مولانا استفاده می‌کنم؟ آیا فضا را باز می‌کنم تا از برکت خود خداوند استفاده کنم؟

۱۹- تعریفی دیگر از فضاگشایی: فضاگشایی را زندگی می‌کند. فضاگشایی خودبه‌خود انجام می‌شود، به شرطی که ما خودمان را، حرفه‌ایمان را و اعمالمان را جدی نگیریم. و به شرطی که اتفاقات این لحظه را جدی نگیریم، اتفاقات این لحظه را بازی بگیریم.

۲۰- هر اتفاقی که در بیرون می‌افتد و هر فکری که به ذهن ما می‌آید، همه‌اش از طرف زندگی و خداوند است برای بیداری ما از خواب ذهن. باید در مقابلش فضا را باز کنیم.

و در پایان امیدوارم که به کمک زندگی و اراده و پشتکار خودم، به نوشته‌ها و برداشت‌هاییم از آموزش‌های حضرت مولانا و برنامه گنج حضور عمل کنم. ان‌شاءالله.

با عشق و احترام
مهدی از مشگین شهر